

ویژگی‌های زنان موفق در قرآن

حجت‌الاسلام والمسلمین حسین احسانی‌فر*

مقدمه

یکی از ویژگی‌های طبیعی انسان، الگوگیری از «برترین‌ها و بهترین‌ها» است. خداوند برای پرورش و شکوفایی این استعداد، در بسیاری از سوره‌های قرآن، از جمله مریم، نور، تحریم، قصص، احزاب، آل عمران و نساء، به ویژگی‌های زنان موفق به عنوان الگو اشاره کرده است. در سوره تحریم، نخست دو نمونه از زنان ناموفق^۱ (همسران نوح و لوط علیهما السلام) و سپس دو نمونه از زنان موفق رابه عنوان الگوی برتر، برای همه خداپاوران در همه اعصار معرفی، و علت‌ها را نیز بیان کرده^۲ تا انسان با شناخت ویژگی‌های هر دو طیف، راه درست زیستن را بیاموزد.

موفقیت از دیدگاه قرآن

در تعریف موفقیت اختلاف وجود دارد، ولی از نگاه قرآن زنان و مردانی موفق هستند که با معرفت، مجاهدت و اخلاص، به «هدف آفرینش»، یعنی قرب

* پژوهشگر.

۱. تحریم، آیه ۱۰.

۲. تحریم، آیات ۱۱ و ۱۲.

الهی نایل شده باشند و یا با گام نهادن در مسیر «علم و معرفت»، در «رشد و تربیت» و نورافشانی در عرصه زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی، پیشتاز باشند و طریق سبقت و مسارعت در نیل به «هدف» و رسیدن به «رضوان الله» را در پیش گرفته باشند.^۱

اما ناموفق‌ها کسانی هستند که ظاهر و باطن‌شان و گفتار و عمل‌شان و قلب و زبان‌شان هماهنگ نیست. دروغ و نفاق و خیانت در گفتار و عمل، افشا کردن اسرار خانواده و... ویژگی‌هایی هستند که در قرآن به عنوان ویژگی‌های افراد ناموفق به آن‌ها پرداخته شده است.^۲

آسیه و مریم؛ اسوه اهل ایمان

خداوند، آسیه و مریم را دو چهره ماندگار و دو نمونه از زنان موفق معرفی می‌کند: «وَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ»^۳ و خداوند برای مؤمنان، به همسر فرعون مثل زده است، در آن هنگام که گفت: پروردگارا! خانه‌ای برای من نزد خودت در بهشت بساز، و مرا از فرعون و عمل او نجات ده و مرا از گروه ستمگران رهایی بخش!»

«وَ مَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَ صَدَقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَ كُنْتِ مِنْ الْقَانِتِينَ»^۴ و مریم، دختر عمران که دامان خود را پاک نگه داشت و ما از روح خود در آن دمیدیم؛ او کلمات پروردگار و کتاب‌هایش را تصدیق کرد و از مطیعان فرمان خدا بود.»

۱. توبه، آیه ۱۰۰ (وَ السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ... رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَ رَضُوا عَنْهُ ...) و مؤمنون، آیه ۵۷-۶۱.

۲. تحریم، آیات ۳ و ۴ و ۱۰.

۳. تحریم، آیه ۱۱.

۴. تحریم، آیه ۱.

خداوند در قرآن همان‌گونه که مردانی همانند ابراهیم علیه السلام و محمد صلی الله علیه و آله را الگوی ایمان معرفی کرده، در همان قرآن زنانی همانند آسیه، همسر فرعون و مریم علیها السلام را نیز الگوی افراد موفق معرفی کرده است. البته زنان موفق از نگاه قرآن، محصور به آن دو نیستند؛ بلکه زنانی همانند حضرت فاطمه علیها السلام^۱، صفورا دختر شعیب علیه السلام^۲، مادر و خواهر حضرت موسی علیه السلام^۳، هاجر مادر اسماعیل، دختران حضرت لوط، و همسر پیامبرانی همانند ایوب و زکریا و حزقیل، نمونه‌هایی از زنان موفق هستند که در مصحف یا قصص قرآن از آنان سخن به میان آمده است.

ویژگی‌های زنان موفق

در شأن نزول آیه ۳۵ سوره احزاب آمده است: هنگامی که اسماء بنت عمیس^۴ یا ام سلمه^۵ از نابرابری زنان با مردان شکوه کردند، خداوند این آیه را نازل فرمود و ده ویژگی از برترین ویژگی‌های زنان و مردان موفق را بیان کرد. از تدبر در سوره‌های مریم، نور، حریم، قصص، احزاب، آل عمران و نساء، این ویژگی‌ها را برای زنان موفق می‌توان استخراج کرد: ۱. ایمان و هدفداری؛ ۲. مقام تسلیم و اطاعت؛ ۳. عفاف و پاک‌دامنی؛ ۴. شرم و حیا؛ ۵. رازداری؛ ۶. راست‌گویی و صداقت؛ ۷. عبادت و نیایش؛ ۸. تأثیرناپذیری از محیط و جامعه آلوده؛ ۹. روحیه شجاعت و قدرت تصمیم‌گیری و تأثیرگذاری آرمانی بر خانواده و

۱. ر.ک: تفسیر سوره‌های کوثر و انسان، آیه مباحله و آیه تطهیر.

۲. قصص، آیه ۲۵.

۳. قصص، آیه ۱۱ و طه، آیات ۳۸-۴۰.

۴. طبرسی، مجمع البیان، ج ۸، ص ۵۶۱.

۵. سیوطی، الدر المنثور، ج ۵، ص ۲۰۰.

اجتماع؛ ۱۰. ظلم‌ستیزی؛ ۱۱. استقامت و پایداری؛ ۱۲. آرمان‌طلبی؛ ۱۳. تواضع و فروتنی در برابر همسر؛ ۱۴. هجرت برای فراگیری احکام الهی و فرار از گناه؛ ۱۵. پذیرش اشتباه و توبه.

بحث درباره همه ویژگی‌های زنان موفق نیاز به فرصتی دیگر دارد؛ از این رو در این مجال به بررسی چند ویژگی بسنده می‌شود:

۱. ایمان و هدفداری

از نگاه قرآن، موفقیت، امنیت و آرامش، و تحصیل هرآنچه برای فرد و اجتماع «رشد و کمال» شمرده می‌شود، تنها در سایه ایمان و هدفداری امکان‌پذیر است؛ چنان‌که خداوند در سوره صافات^۱ پس از بیان سرگذشت پنج تن از انبیاء، با تکرار جمله «إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ» در پایان هر سرگذشت، ریشه و عامل اصلی موفقیت آنان را «ایمان» معرفی می‌کند. در سوره تحریم نیز «ایمان» از جمله شش ویژگی مهم برترین زنان معرفی شده است؛ آنجا که خداوند به دو تن از همسران پیامبر ﷺ که حضرت را رنجاندند، می‌فرماید: «عَسَى رَبُّهُ إِنْ طَلَّقَنَّ أَنْ يُبْدِلَهُ أَزْوَاجًا خَيْرًا مِنْكَ مُسْلِمَاتٍ مُؤْمِنَاتٍ قَانِتَاتٍ تَائِبَاتٍ عَابِدَاتٍ سَائِحَاتٍ ثَيِّبَاتٍ وَأَبْكَارًا»^۲ امید است که اگر او شما را طلاق دهد، پروردگارش به جای شما همسرانی بهتر برای او قرار دهد؛ همسرانی مسلمان، مؤمن، متواضع، توبه‌کار، عابد، هجرت‌کننده، زنانی غیر باکره و باکره. از سویی دیگر، از نگاه قرآن ایمان در قلبی رسوخ می‌کند که «قساوت» نداشته نباشد. انسان‌های قسی‌القلب با ایمان و عطف و سایر کمالات انسانی فاصله زیادی دارند؛ به گونه‌ای که قرآن قساوت یهودیان را با سنگ مقایسه می‌کند و

۱. صافات، آیات ۷۵ - ۱۳۲.

۲. تحریم، آیه ۵.

می‌فرماید: «تَمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدُّ قَسْوَةً...»^۱

از پس این جریان دل‌هایتان سخت شد همچون سنگ یا سخت‌تر از آن...».

بر این اساس، زنان که از «رقت قلب» بیشتری برخوردارند و سرشار از رحم و عواطف انسانی‌اند، زودتر «ایمان» در دل‌شان رسوخ می‌کند و در پاسداری از آن استوارترند. آثار ایمان و استواری زنان موفق را مردم ایران در طول دوران هشت ساله دفاع مقدس و بعد از آن مشاهده کرده‌اند که چگونه مادران و همسران شهدا عزیزترین سرمایه عمر خود را در راه خدا داده‌اند؛ اما با عمل به دستور قرآن که فرمود: «لِيَجْعَلَ اللَّهُ ذَلِكَ حَسْرَةً فِي قُلُوبِهِمْ»^۲ حسرت یک آه گفتن را بر دل بدخواهان گذاشته‌اند و یاد صلابت زنان صدر اسلام نظیر نسیبه را زنده کرده‌اند. نسیبه که برای خدمات پشت جبهه در اُحد حضور یافته بود، هنگامی که مشاهده کرد مردان نامرد از ترس جان پا به فرار نهاده و رسول خدا ﷺ را غریب و تنها گذاشته‌اند، ضمن ترغیب شوهر و فرزندش به مقاومت، مشک آب و وسایل پانسمان را به کناری انداخت و شمشیری برداشت و مردانه جنگید؛ عده‌ای را به جهنم فرستاد و شوهرش شهید شد و خود سیزده زخم برداشت.^۳ اگر می‌خواهید میزان تأثیر ایمان را در زنان موفق بدانید، کتاب «دا را» بخوانید تا با یک دختر شانزده ساله خرمشهری به نام سیده زهرا حسینی آشنا شوید که همدوش پدر و برادر، در دفاع از خرمشهر در برابر صدامیان مقاومت می‌کند. او پس از آن‌که در یک روز بدن‌های پاره‌پاره پدر و برادر شهیدش را با دست‌های خود در قبر می‌گذارد، همانند نسیبه خدمات پشت جبهه را رها می‌کند و همدوش سایر رزمندگان اسلحه بر دوش می‌گذارد و در خط مقدم حاضر می‌شود؛ یا کتاب من زنده‌ام اثر

۱. بقره، آیه ۷۴.

۲. آل عمران، آیه ۱۵۶.

۳. المقریزی، امتاع الاسماع، ج ۱، ص ۱۶۲.

آزاده سرفراز، معصومه آباد را مطالعه کنید تا با صلابت ایمان او و سه خواهر آزاده دیگر به نام فاطمه ناهیدی، حلیمه آزموده و شمس‌بهرامی آشنا شوید.

جلوه و درخشش ایمان خالص زنان را در کربلا، در اردوگاه حسین بن علی علیه السلام در زنان بزرگواری همانند ام وهب می‌توان دید و نهایت خلوص ایمان را در زینب کبری علیها السلام ببینید که چگونه در برابر ابن زیاد ستمگر می‌ایستد و از «ایمان و جهاد» دفاع می‌کند و با وجود آن همه مصیبت، در پاسخ ابن زیاد که پرسید: کار خدا را با برادر و اهل بیت چگونه دیدی، فرمود: «ما رایتُ إلاّ جمیلاً؛^۱ من جز خیر و زیبایی چیزی ندیدم».

۲. عفاف و پاک‌دامنی

عفت‌مداری اصلی‌ترین پایه حراست از کانون گرم خانواده و حفظ امنیت اجتماعی است. بی‌پروایی در نگاه، بی‌توجهی در نوع پوشش و پرده‌داری در روابط جنسی، زمینه را برای بسیاری از ناهنجاری‌های اجتماعی فراهم می‌آورد. عفت در جامعه با عفت خانواده آغاز می‌شود. به همین دلیل، عفت خانواده و جامعه در اسلام از اهمیتی ویژه برخوردار است. اسلام از یک طرف، منع و سرکوب‌گریزه جنسی را نفی کرده و به ازدواج و بهره‌وری از تمتعات جنسی فرمان می‌دهد^۲ و از طرف دیگر به عفت سفارش می‌کند^۳ و در بهره‌وری جنسی خارج شدن از حریم خانواده را محکوم کرده، می‌فرماید: «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ ... الَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ فَمَنْ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ»؛^۴ به راستی که

۱. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۱۱۵.

۲. نور، آیه ۳۲.

۳. همان، آیه ۳۳.

۴. مؤمنون، آیات ۱-۷.

مؤمنان به سعادت دست یافتند، ... آنان که دامن خود را حفظ می‌کنند، مگر از همسرانشان یا کنیزانی که مالک آنها شده‌اند، پس آنان نکوهش نمی‌شوند؛ پس کسانی که راه دیگری جز آنچه مقرر شد طلب کنند، آنان از مرز الهی گذشته‌اند».

از نگاه قرآن «زنان موفق» کسانی هستند که گوهر شرف خود را از دزدان شرف مصون نگه دارند و مجموعه حرکات، طرز راه رفتن، لباس پوشیدن، لحن سخن گفتن، و شیوه حضورشان در اجتماع آن‌چنان آمیخته با وقار و متانت است که طمع مردان ضعیف‌النفس و بیماردل را از خود قطع می‌کنند. با این نگاه است که خداوند به همسران پیامبر ﷺ - و همه زنان پیرو آن حضرت - می‌فرماید: در سخن گفتن، نرمش زنانه (حالت تحریک‌آمیز) به کار نبرید که موجب طمع بیماردلان گردد، بلکه به خوبی و شایستگی سخن بگویید؛^۱ و در مورد طرز راه رفتن توصیه می‌کند به گونه‌ای راه نروند که توجه مردان را برانگیزند.^۲ چرا قرآن کریم، مریم عَلَيْهَا السَّلَام را الگو معرفی کرده؟ چون او در جامعه‌ای گوهر عفت و پاکدامنی را پاس داشت که افزون بر انحراف عقیدتی، کارهای زشت و فحشا و روسپی‌گری رواج داشت و مُنکرات، «معروف» و معروف، «منکر» شمرده می‌شد. از این رو با آن‌که هیچ امتیازی برتر و مقدم بر ایمان نیست، خداوند نخست «عفاف» مریم را ذکر می‌کند و ارزش و عظمت آن را برجسته می‌سازد، سپس به ایمان او اشاره می‌کند و می‌فرماید: «وَمَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا وَ صَدَقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَ كُنْتُمْ»^۳ و [نیز] مریم دختر عمران، همو که دامان خود را پاک نگه داشت و در نتیجه از روح خود در او دمیدیم و کلمات

۱. احزاب، آیه ۳۳.

۲. نور، آیه ۳۱.

۳. تحریم، آیه ۱۲.

پروردگارش و کتاب‌های او را تصدیق کرد و از اطاعت‌کنندگان بود». عفاف و مجموعه ویژگی‌هایی که در مریم وجود داشت، از او چنان شخصیتی ساخته بود که از یک سو فرشته‌ای از جانب خدا خدمت او رسید و گفت: «یا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَ طَهَّرَكِ وَ اصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ»^۱ ای مریم، همانا خدا تو را برگزید و پاکیزه گردانید و بر تمام زنان جهان برتری بخشید» و از سویی دیگر، در بین مؤمنان آن عصر بر سر خدمتگزاری مریم دعوا و خصومت می‌شود، تا آن‌که مجبور می‌شوند مشکل را با قرعه‌کشی حل کنند و قرعه به نام یکی از پیامبران، یعنی حضرت زکریا علیه السلام می‌افتد.^۲

همچنین خداوند در بزرگداشت صفورا، دختر شعیب علیه السلام نیز تنها به شیوه راه رفتن و شرم و حیای وی که نشانه طهارت درونی و عفاف است، اشاره می‌کند و می‌فرماید: «فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ»^۳ پس یکی از آن دوزن در حالی که با نهایت شرم و حیا راه می‌رفت، نزد وی آمد».

آثار اجتماعی عفاف

در اینجا بایسته است به چند نشانه و لازمه عفت و پاک‌دامنی به اختصار اشاره شود:

الف) پرهیز از اختلاط

در جامعه‌ای که زیر نظر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اداره می‌شد، زنان در صحنه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، عبادی و حتی نظامی شرکت می‌کردند؛ اما هرگز حریم عفت و تقوا را نمی‌شکستند، بلکه با تفکیک جنسیت و پرهیز از

۱. آل عمران، آیه ۴۲.

۲. آل عمران، آیه ۴۴.

۳. قصص، آیه ۲۵.

اختلاط، این حریم را حفظ می‌کردند. این امر در ایجاد مصونیت و حفظ پاک‌دامنی به قدری مهم است که حضرت مریم علیها السلام حتی محل عبادت خود را جایی انتخاب می‌کند که در معرض دید و نگاه مردان قرار نگیرد؛ یعنی گوشه شرقی مسجدالاقصی که کمتر در معرض دید مردان بود؛ همچنین پرده‌ای آویزان می‌کند تا مردان هنگام حضور در مسجد پشت پرده قرار گیرند: «وَمَرْيَمَ أَنْكُرَ فِي الْكِتَابِ إِذِ انْتَبَذَتْ مِنْ أَهْلِهَا مَكَانًا شَرْقِيًّا، فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا...»^۱ و در قرآن، از مریم یاد کن، آن هنگام که از خانواده‌اش جدا شد و در ناحیه شرقی (بیت المقدس) قرار گرفت، و میان خود و آنان حجابی افکند (تا خلوتگاهش از هر نظر برای عبادت آماده باشد).»

ب) اجتناب از خلوت با نامحرم

افراد پاک‌دامن با احساس احتمال گناه به خود می‌لرزند و از عاقبت شرورآمیز آن به خدا پناه می‌برند. از این رو هنگامی که خداوند فرشته‌ای را به شکل مردی خوش‌قیافه و نیکوسیمما نزد مریم فرستاد تا هم وسیله امتحان او باشد و هم بشارت فرزندى به نام عیسی را به او بدهد،^۲ مریم علیها السلام در حالی که از ترس گناه می‌لرزید، گفت: «إِنِّي أَعُوذُ بِالرَّحْمَنِ مِنْكَ إِنْ كُنْتَ تَقِيًّا»^۳ او [به شدت ترسید و] گفت: «من از شر تو به خدای رحمان پناه می‌برم اگر باتقوا و پرهیزکاری!»

ج) شجاعت در ابراز پاک‌دامنی

ثبات شخصیت و جهت‌گیری آن به سمت کمال، نشانه کمال‌یافتگی و رشد است. انسان‌هایی که در هر جمعی خود را به رنگ آن جماعت درمی‌آورند و

۱. مریم، آیات ۱۶ و ۱۷.

۲. «ما روح خود را به سوی او فرستادیم و او در شکل انسانی زیبا و بی‌عیب و نقص، بر مریم ظاهر شد!» (مریم، آیه ۱۷).

۳. مریم، آیه ۱۸.

تابع مُدها و متدهای زندگی دیگران‌اند، به دلیل ضعف روحی و عُقده حقارت درونی، فاقد ثبات شخصیت و قدرت تصمیم‌گیری‌اند؛ اما انسان‌های پاک‌دامن اولاً ثبات شخصیت دارند و جهت‌گیری شخصیت آنان به سمت خدا است؛ ثانیاً، روحیه شجاعت به آنان قدرت تصمیم‌گیری می‌دهد و موجب می‌شود که ایمان، تقوا و شخصیت معنوی خود را ابراز کنند تا هم مورد تهمت قرار نگیرند و هم تبلیغ و تقویت پاک‌دامنی و معنویت‌گرایی باشد. صلابت ایمان و شجاعت روحی صفورا دختر شعیب باعث شد که در جامعه بسیار آلوده آن زمان، با حجاب و عفاف کامل در انظار حضور یابد.^۱ همچنین هنگامی که فرشته حق به حضرت مریم علیها السلام گفت: «من فرستاده پروردگار تو هستم [و آمده‌ام] تا بشارت پسری پاکیزه را به تو بدهم»؛ آن حضرت با توجه به این‌که زن، تنها از دوراه می‌تواند باردار گردد- یا از راه حلال و ازدواج مشروع و یا از راه حرام و زنا- قاطعانه پاک‌دامنی خود را اظهار، و از خود این‌گونه دفاع کرد: «چگونه ممکن است فرزندی برای من باشد در حالی که تا کنون انسانی با من تماس نداشته، و زن آلوده‌ای هم نبوده‌ام؟!»^۲

متأسفانه امروزه عفت و حیا کم‌رنگ شده است و برخی زنان، حجاب را که یکی از مصادیق مهم عفت است، رعایت نمی‌کنند و این آسیبی جدی است که حیات و سلامت جامعه را تهدید می‌کند؛ این در حالی است که برخی زنان جامعه ما در زمان کشف اجباری حجاب، برای حفظ حجاب‌شان چندین سال از خانه‌هاشان بیرون نمی‌آمدند و برخی دیگر برای حفظ حجاب خود، در برابر سربازان رضاخانی مقاومت می‌کردند. در همین رابطه دکتر محمدعلی اسلامی

۱. «پس یکی از آن دوزن در حالی که با نهایت شرم و حیا راه می‌رفت نزد وی آمد». (قصص، آیه ۲۵).

۲. مریم، آیه ۱۹ و ۲۰.

ندوشن در کتاب خاطرات، صحنه‌ای را که خود ناظر آن بوده، چنین نقل می‌کند: «زنی که از کوچه می‌گذشت و مانند همه زن‌های روستایی چادر و چارقد به سر داشت... [آن زن] توی کوچه با امنیه‌ای (مأمور) که از راه رسیده بود روبه‌رو شد و امنیه او را دنبال نمود و چارقد و چادر از سرش کشید. نزدیک به خانه کدخدای ده بودند و امنیه به خانه او می‌رفت. زن شروع کرد به گریه کردن و سرش را با سفره‌ای که در دست داشت، پوشاند. امنیه اصرار داشت که او را به مبلغی که توان پرداخت آن را نداشت جریمه کند. خواستم کمکی به او بکنم. بنابراین او را بردم به منزل کدخدا و از وی خواستم که وساطت بکند و قضیه را خاتمه دهد. کدخدا با امنیه وارد گفتگو شد و او پذیرفت که این دفعه از او نگیرد؛ منتها شرط، آن بود که زن چون خواست از خانه [کدخدا] بیرون رود، با سر برهنه از جلوی اتاق [که آن امنیه در آن حضور داشت] بگذرد. چاره‌ای نبود جز قبول. در آن لحظه جز من و کدخدا و امنیه کسی توی اتاق نبود و پنجره باز بود. زن، بی چارقد و بی چادر آمد و با سرعت گذشت. رویش را به جانب دیگر برگردانده بود. موهایش روی شانه‌اش ریخته بود... از جایی که در برابر چشم ما قرار گرفت تا جایی که از نظر گم شد، بیش از چند قدم نبود، ولی همین چند قدم گویی روی تیغه کارد راه می‌رفت. این که می‌گویند "می‌خواست زمین دهان باز کند و او را فرو برد"، در حق او صدق می‌کرد. ... هریک از موهایش بر سرش سوزنی شده بود».^۱

۳. رازداری

«فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ»^۲ زنان صالح و نمونه،

۱. محمدعلی اسلامی ندوشن، *خاطرات*، ج ۱، ص ۲۰۵ و ۲۰۶.

۲. نساء، آیه ۳۴.

زنانی هستند که متواضع اند و در غیاب [همسر خود] اسرار و حقوق او را در مقابل حقوقی که خدا برای آنان قرار داده، حفظ می‌کنند». پس کتمان سرّ، یکی از ویژگی‌های بارز زنان موفق و مؤمن است که از صفات الهی نشئت گرفته و انسان مؤمن همواره به اخلاق الهی متخلق است. در این میان، حفظ اسرار شخصی و خانوادگی خود و دیگران، یکی از فضیلت‌های اخلاقی بسیار مهم است. وجود این صفت، نشانه کمال ایمان و عقلانیت، آزادگی، امانت‌داری، آینده‌نگری و ثبات شخصیت هر انسانی است. حضرت علی علیه السلام درباره این فضیلت فرمود: «صَدْرُ الْعَاقِلِ صُنْدُوقُ سِرِّهِ»^۱ سینه عاقل صندوق سرّ او است». انسان عاقل هرگز گنجینه اسرار خود را در اختیار عموم قرار نمی‌دهد.

در فرهنگ اسلامی، انسان مسلمان نه تنها موظف به حفظ اسرار خویش است، بلکه وظیفه دارد اسرار دیگران را هم نزد خود نگه دارد و هرگز آن را بدون رضایت صاحبانشان افشا نکند؛ چراکه افشای راز گاهی منشأ حسد، کینه‌توزی و رقابت‌های ناسالم می‌گردد و انسان، هدف تهاجم افراد تنگ‌نظر و کینه‌توز واقع می‌شود و مصالح صاحبان راز به خطر می‌افتد؛ همچنان‌که قرآن شریف در داستان حضرت یوسف علیه السلام درباره اهمیت کتمان راز فرمود: «قَالَ يَا بَنِيَّ لَا تَقْصُصْ رُؤْيَاكَ عَلَىٰ إِخْوَتِكَ فَيَكِيدُوا لَكَ كَيْدًا إِنَّ الشَّيْطَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوٌّ مُّبِينٌ»^۲ [یعقوب] گفت ای پسرک من! [خوابت] را برای برادرانت حکایت مکن که برای تو نیرنگی می‌اندیشند؛ زیرا شیطان برای آدمی دشمنی آشکار است». از این رو قرآن یکی از ویژگی‌های مهم زنان موفق را «رازداری» معرفی کرده در مقابل، دل‌های همسران رازفاش‌کن را منحرف از حق (فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا)^۳

۱. فتال نیشابوری، روضة الواعظین، ج ۱، ص ۴.

۲. یوسف، آیه ۴-۵.

۳. تحریم، آیه ۴.

دانسته و آنان را «خیانتکار» و الگوی رفتاری و گفتاری کافران برشمرده است.^۱ طنطاوی، مفسر اهل سنت می‌نویسد: در این آیه، عایشه و حفصه (همسران پیامبر ﷺ) به دلیل فاش کردن راز همسرشان، مورد عتاب و ملامت خدا قرار گرفتند.^۲

رازداری حضرت فاطمه رضی الله عنها

شیخ صدوق، در کتاب شریف امالی، از عایشه روایت می‌کند که روزی حضرت فاطمه رضی الله عنها به محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و پنهانی با ایشان گفت‌وگو کرد. وقتی درباره مضمون گفت‌وگویش با پیامبر از او پرسیدم، فرمود: «مَا كُنْتُ لِأُقْسِي سِرَّ رَسُولِ اللَّهِ؛^۳ من راز رسول خدا را افشا نخواهم کرد».

حدیث دوست نگویم مگر به حضرت دوست

که آشنا سخن آشنا نگه دارد

زنی به نام ... با فاش کردن راز شوهرش باعث شد که او به یک سال زندان محکوم شود. او می‌گوید: من شوهرم را از جان و دل دوست داشتم؛ ولی چندی است که به من کم‌محبت شده است. این کار را کردم تا از این پس بیشتر دوستم بدارد. این خانم گردن‌بندی گران‌قیمت خواسته بود؛ ولی شوهرش زیر بار نرفت. او هم تقلب در ازدواجشان را فاش کرد تا وی به زندان بیفتد.^۴

خامشی به که ضمیر دل خویش با کسی گفتن و گفتن که مگوی
ای سلیم! آب ز سرچشمه ببند که چو پر شد، نتوان بستن جوی^۵

۱. تحریم، آیه ۱۰.

۲. طنطاوی، تفسیر الوسیط، ج ۱۴، ص ۴۶۷.

۳. شیخ صدوق، الأمالی، ص ۵۹۵.

۴. امینی، آیین همسرداری، ص ۱۶۳.

۵. سعدی، گلستان، باب هشتم، آداب صحبت.

۴. تسلیم و اطاعت

واژه «مُسلِمات» که در چند آیه قرآن^۱ به عنوان یکی از ویژگی‌های مهم زنان موفق ذکر شده، دو پیام مهم دارد:

پیام اول- تسلیم امر خدا و پیامبر ﷺ بودن. این پیام در برخی آیات^۲ با واژه «قانتات» هم ابلاغ شده: «فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ»^۳ پس زنان شایسته، زنان متواضع هستند». «قانت» کسی است که مطیع و تسلیم امر خدا و پیوسته به یاد خدا باشد و از او غافل نگردد. او نه برای اجابت هوای نفس خود زندگی می‌کند و نه برای جلب نظر دیگران؛ بلکه تنها اطاعت فرمان خدا سرلوحه کار و زندگی او است و توقعات و خواسته‌های خود را نیز بر مبنای خواسته‌های خدا تنظیم می‌کند. بر این اساس، زندگی خود را از اسراف و تبذیر و تجمل‌گرایی و مُدپرستی دور نگه می‌دارد و آن را به نمایشگاه داشته‌ها و توانایی‌های خود برای فخرفروشی و غرور تبدیل نمی‌کند و دغدغه‌اش این نمی‌شود که چگونه زندگی را بر مبنای مُد و مُدگرایی و فرهنگ تجمل‌گرایی تنظیم کند. چگونه آرایش کند؟ چه نوع و چه رنگ لباسی بپوشد؟ مُد امروزی فردا چیست؟ پرده و پُشتی و فرش و مبلمان خانه‌اش چگونه باشد؟

پیام دوم - مَدَدکار همسر بودن: «مُسلِمات» در آیه پنجم سوره تحریم به معنای زنانی است که در برابر همسر، تواضع دارند و مُعین و مددکار او هستند؛ زیرا در غیر این صورت، مفهومی این می‌شود که برخی از زنان پیامبر ﷺ مسلمان نبودند؛ چراکه صدر آیه می‌فرماید: «عَسَى رَبُّهُ إِنْ طَلَّقَنَّ أَنْ يُبْدِلَهُ

۱. احزاب، آیه ۳۵ و تحریم، آیه ۵.

۲. احزاب، آیه ۳۵؛ نساء، آیه ۳۴؛ تحریم، آیه ۵.

۳. نساء، آیه ۳۴.

أَزْوَاجًا خَيْرًا مِنْكُنَّ مُسْلِمَاتٍ؛ اگر او شما را طلاق دهد، امید است پروردگارش به جای شما همسرانی بهتر برای او قرار دهد؛ همسرانی تسلیم و متواضع). از این رو برخی نوشته‌اند: «مسلمات یعنی مستسلمات لامر النبی ﷺ و معینات؛^۱ زنانی که تسلیم امر پیامبر ﷺ و مُعین و مددکار او باشند».

۵. راست‌گویی و صداقت

قرآن در مقام تمجید از مریم عَلَيْهَا السَّلَامُ او را «صدیقه» معرفی می‌کند: «وَأُمُّهُ صِدِّيقَةٌ»^۲ مادر عیسی، زنی بسیار راست‌گو بود». صدیقه که صیغه مبالغه است، به بانویی گفته می‌شود که سر تا پا راستی و درستی است و کردارش صدق گفتارش را تأیید می‌کند. کسی که ظاهر و باطنش هماهنگ، و قلب و زبان‌ش هم‌آواز باشد. بعد از مقام نبوت، مقامی بالاتر از مقام صدق و راستی نیست و در مقابل آن، هیچ صفت زشتی بعد از کفر، بدتر از دروغ و نفاق و خیانت در سخن و عمل نیست.^۳

۶. عبادت و نیایش

یکی از ویژگی‌های زنان (و مردان) موفق آن است که از «وزانت و شخصیت» برخوردارند. از نگاه قرآن ارزش و اعتبار را تنها در سایه «عبادت و نیایش» می‌توان تحصیل کرد: «قُلْ مَا يَعْزُبُا بِكُمْ رَبِّي لَوْ لَا دُعَاؤُكُمْ؛^۴ بگو اگر دعاها و عبادت‌های شما نباشد، پروردگار من عنایت و اعتنایی به شما ندارد». این

۱. سمرقندی، بحرالعلوم، ج ۳، ص ۴۶۹.

۲. مانده، آیه ۷۵.

۳. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۴۶۰.

۴. فرقان، آیه ۷۷.

عبادت و اتصال روحی به مبدأ آفرینش است که به انسان ارزش و اعتبار می‌بخشد و عمود خیمه زندگی مؤمنانه را برافراشته می‌کند و کانون حیات و هستی را نورانی می‌سازد،^۱ و کلید موفقیت و پیروزی، و خوشبختی و رستگاری را در دستان او می‌نهد؛^۲ زنگارها و غبارهای برگرفته از گناه و هوس‌گرایی، خودخواهی و خودمحوری را شست‌وشو می‌دهد؛ روح را تلطیف می‌کند؛ فکر و مغز را فعال می‌سازد؛ قلب را عرش خدا و محل نزول فرشتگان، و دل را مالا مال از عشق و محبت می‌گرداند. مریم که از کودکی به عبادت و نیایش علاقه داشت، مکان مخصوصی را برای عبادت برگزید تا این درس را به همگان بدهد که به عبادت و گفت‌وگو با خدا ارزش و اهمیت دهید و مکان ویژه‌ای برای آن برگزینید. خداوند نخست به حضرت مریم می‌فرماید: «ای مریم! خدا تو را برگزیده و پاک ساخته و بر تمام زنان جهان، برتری داده است»؛^۳ سپس برای تحقق عینی و به فعلیت آوردن آن اراده و شکوفا ساختن «وزانت و شخصیت» حضرت مریم علیها السلام، فرمان عبادت و نیایش می‌دهد و می‌فرماید: «ای مریم! برای پروردگار خود خضوع کن و سجده به جا آور و با رکوع‌کنندگان رکوع کن».^۴

۷. تأثیرناپذیری از محیط آلوده

همسر فرعون (آسیه) از آن جهت الگوی فکری و اعتقادی و رفتاری برای همه مؤمنان - نه تنها زنان - است که با وجود قرار گرفتن در کانون کفر و ظلم و فساد، از آن تأثیر نگرفت و هم‌رنگ جماعت نشد؛ بلکه به خدای یگانه ایمان آورد و

۱. کلینی، *الکافی*، ج ۲، ص ۴۶۸.

۲. «الدُّعَاءُ مَفَاتِيحُ النَّجَاحِ وَ مَقَالِيدُ الْفَلَاحِ». (همان)

۳. آل عمران، آیه ۴۲.

۴. آل عمران، آیه ۴۳.

تنها رنگ خدایی داشت. او اگرچه در کاخ فرعون می‌زیست، روحیه کاخ‌نشینی نداشت؛ اگرچه لذات زندگی و زمینه تحقق آرزوها و خواسته‌های عُرفی و اجتماعی در عالی‌ترین سطح برای او تأمین بود، او از همه آن فرصت‌ها و موقعیت‌ها و لذت‌ها و خواسته‌ها چشم پوشید و در برابر استکبار شوهرش ایستاد و یکی از سخت‌ترین و رنج‌آورترین شکنجه‌ها را تحمل کرد. خدای مهربان نیز با معرفی او به عنوان یکی از عالی‌ترین الگوها برای همه مؤمنان، پاداش صلابت «ایمان» و تأثیرناپذیری او را داد و نام او را نه تنها در ردیف نام مریم پاک قرار داد، بلکه نخست از او سخن گفت، سپس از مریم یاد کرد!